

محو شدی

مثل سایه، مثل آب

- در چشم آفتاب.

مثل خانه که از پای بست ویران بود.

مثل چشمه که در سراب می جوشید

و چون به چشمه رسیدم

جهان

تمام

بی جان بود.

□

چه حاصل از همه عمر

وقتی امید

عیش مختصر است و عشق

همیشه محتضر است؟

□

اگر که آینه نباشد،

دلت همیشه کاسه ی در یوزگی ست

که عابران

در آن

اضافی انبان خویش می ریزند .

اگر که آینه نباشد

که بنگری به حلقه ی داری

که دیگران به گردنت آویزند.

اگر که آینه نباشد!....

واشینگتن، ۱۱ اردیبهشت ۹۴